

نگاه حقوقی به لایحه تازه به تصویب رسیده ممنوعیت حمل سلاح سرد

# تیزی‌ها را اغلاف کنید



مکتب تشیع

ساطور، قداره یا پنجه بوکس که صرفاً به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح به کار برده می‌شود، جرم محسوب شده و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود. واردات، تولید و عرضه این سلاح‌ها ممنوع است و مرتکب به جرایم نقضی در چه ششم مطابق این تبصره هر فردی که بخواد از هر سلاح سرد غیر جنگی که در لایحه آمده، استفاده کند باید مجوز داشته باشد و هر مغازه‌ای که قصد فروش سلاح‌های مذکور را نداشته باشد هم باید مجوز داشته باشد و هر کس که مخالف این قانون عمل کند، مجرم شناخته خواهد شد. اما با وجود این که بسیاری از موافقان این لایحه را یک گام رو به جلو در مسرد قوانین حمل و استفاده از سلاح سرد می‌دانند، عده‌ای از نمایندگان مجلس و حقوقدانان اعتقاد دارند لاین لایحه عملاً جلوی تجارت بسیاری از فروشندگان چاقو و نظیر آن را خواهد گرفت و بازار آنها را اکساده خواهد کرد. از طرفی نمی‌توان گفت که این لایحه در واقع با افزایش ارتکاب قتل با استفاده از سلاح سرد در کشور بکاهد.

هر نوع اسلحه سرد دیگر تظاهر یا قدرتمندی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخذی قرار دهد یا بدان وسیله تهدید کند یا با کسی گلاویز شود به سه ماه تا یک سال حبس تا دپبی یا به اقامت اجباری از ۶ ماه تا یک سال در محلی غیر از محل اقامت خود محکوم خواهد شد. «همین طور مطابق ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی «هر کس به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرتمندی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از ۶ ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. «بسیاری از حقوقدانان معتقدند قوانین موجود در مورد حمل و استفاده از سلاح‌های سرد جنگی که در کشور وجود دارد، قوانین ناقصی هستند و آن‌طور که باید بازاندنگی ندارند، به همین دلیل سال ۱۳۸۶ به درخواست نیروی انتظامی لایحه ممنوعیت حمل سلاح سرد تنظیم و به مجلس ارائه شد. این لایحه حدود ۱۰ سال پشت درهای بسته مجلس باقی ماند و در نهایت هفته گذشته در صحن علنی مجلس با کسب ۱۵۱ رأی موافق به تصویب رسید. آنچه توانست تعداد موافقان بیشتری را به خود جلب کند، الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی بود که مطابق آن «حمل ادواتی مثل قهقه، شمشیر، چاقوی ضامن دار،

چیزی عصبانی بودند. برای اجرای نقش‌های که داشتند، راحت‌ترین وسیله‌ای که آنها را به هدفشان خواهد رساند، تهیه و در نهایت نقشه‌شان را عملی کردند. البته نمی‌توان گفت که افراد از هر وسیله‌ای برای انتقام گرفتن از طرف مقابل می‌توانند استفاده کنند. گاه یک گلدان یا یک هل دادن ساده هم می‌تواند دلیل مرگ یک نفر باشد. اما برابر آمارها استفاده از سلاح سرد در نزاع‌ها یکی از دلایل اصلی قتل‌های شماری می‌باشد. مطابق قانون سلاح سرد به دو دسته سلاح سرد جنگی و غیر جنگی تقسیم می‌شود. سلاح‌های سرد جنگی شامل شمشیر، سر نیزه، قهقه، خنجرهای بزرگ و... هستند و سلاح‌های سرد غیر جنگی شامل انواع چاقو می‌شوند. حمل و نگهداری سلاح‌های سرد جنگی طبق ماده ۲ قانون موسوم به مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارنگان سلاح و مهمات غیر مجاز، خلاف قانون است و مجازات کفتری برای حاملان این نوع سلاح به دنبال خواهد داشت. اما آنچه در قانون برای استفاده از سلاح‌های سرد در نظر گرفته شده است به حدود ۶ سال پیش بازمی‌گردد. اواخر خرداد سال ۱۳۳۶ قانونی رایج به مجازات حمل چاقو و انواع سلاح سرد و اخلا در نظم و امنیت و آسایش عمومی در ایران به تصویب رسید، مطابق ماده یک این قانون «هر کس به وسیله چاقو یا

### آی‌دا بیغامی - شهروند حقوقی

چرا کشتی‌ها؟ نمی‌خواستیم او را بکشیم، اصلاً نفهمیدم چه شد. عصبانی بودم. «چرا چیزی کشتی؟» اما در انتها عریضی در خصوص دادخواست ارائه‌شده به دیوان محترم عدالت اداری که نشانه خوبی از توجه نماینده کلای مرکز با کلای کانون که مسئولان خدمت قضایی است، شایکی در رایاه دادخواست نیست. به موضوع خوشتره در دادخواست تقدیمی چه نمی‌پرسد؟ شاید بیکار کردن فراغ التحصیلان حقوق در جامعه نفعی برای آنها دارد یا شاید مانع از کسب درآمد دستمزدهای کلان بعضی‌ها و کلایان باشد. با ابطال تصمیم مرکز و هیأت نظارت بر موضوع ماده دو این نامه اجرایی که در دادخواست آمده، آیا می‌تواند در صلاحیت دیوان عدالت اداری باشد. هیأت نظارت و هیأت اجرایی که در اجرای قانون به منظور تنظیم و تصویب سیاست‌های اجرایی و خط‌مشی اجرایی ماده ۱۸۷ که مرتکب از معاون محترم قضایی، شمس ریاست محترم قوه قضاییه و ریاست محترم مرکز و کلای معاون محترم آموزشی و می‌باشند وزیر نظارت بر محترم قوه قضاییه فعالیت می‌کنند. حداقل مقداری قانون مطالعه می‌شد و تحقیق و بررسی و پرس‌وجو از هل فن می‌کردند بیننده دیوان محترم عدالت اداری برابرمه ۱۲ و تبصره ذیل آن رسیدگی به تصمیمات رئیس محترم قوه قضاییه را داد یا خبر، سپس اقدام به تنظیم دادخواست می‌دانند. شاکلی باند وقت رسیدگی به تصمیمات رئیس محترم قوه قضاییه در صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت که مرجع عالی مرتبه است، خارج می‌باشد، به‌طور اولی یک شعبه از دیوان‌عم از بدوی و مساعدون صالح به رسیدگی نیست. ایراد دیگر به درخواست دستور موقت اداری برابرمه ۱۲ و تبصره ذیل آن رسیدگی به خسارت به ذینفع طول رسیدگی است، حال در این دادخواست همچنان که به عرض رسید، ذینفع در صورت دادخواست تقدیمی چه کسی است و چنانچه دستور موقت صادر شود، دیگر چه دلیلی بر رسیدگی ماهیتی موضوع خواسته است، چون اثری دیگر باقی نمی‌ماند تا دادگاه به آن رسیدگی کند. معذالک با عنایت به مطالبع موضوعه در فوق، ادامه فعالیت مرکز و کلای جهت برگزاری آزمون و جذب وکیل قانونی است و دادخواست تقدیمی هم فاقد ادله مثبتیه بوده و قابل بهره‌امدی.

### یادداشت

### اعتراض کانون، منطقی نیست



کیومرث عزتی‌پور وکیل دادگستری

در پاسخ به اظهارات غیر حقوقی کانون و کلایر خصوص غیرقانونی بودن جذب وکیل توسط مراکز بعد از پایان برنامه سوم توسعه که هیچ استدلال و منطق حقوقی بر آن مترتب نیست و عریضه رایبه نشده با هویت احادی از کلای آن به دیوان عدالت اداری جهت ابطال آزمون و کالت مرکز امور مشاوران و کلای دادگستری سپس در خصوص اظهارات و مواضع توهین آمیز مسئولان کلای در خصوص وکلای این مرکز که ناشایکی کم تجربه است پیشاپیش باید ابراز تأسف و تأثر کنم و امیدوارم با شراکت و با ماتنت با افراد مواجه گردند و از روی احساسات سخنانی بر زبان نرانند که مستوجب پیگیری قضایی شود. زیرا نامبر دگان مکنونات قلبی خود را به رسانه‌ها و کاتال‌های مجازی ارسال کرده، این امر خلاف قانون فرهنگی و اخلاقی حرفه‌ای و کالت و جایگاه مدیری یک تشکیلات عریض و طویل مثل کانون که سابقه تشکیلات گسترده و قدیمی و بین‌المللی دارد. به نظر می‌آید نامبر دگان با بیان این جملات و این گونه حرکات که هرازگاهی بروز می‌دهد صرفاً یک تاکتیک برای ایجاد یک فضای مهووم که تحمل برتری دیگران نسبت به خود را نندازند، است و چون هر برتری به صیانت شخصی افراد برمی‌گردد و وضوح و بدهت نیازمندی جایگاه به از بابی دیگران دارد که جزو لینفک روابط و مناسبات انسانی است بند حاصل این بیانات و حرکات، راز تلخ‌گامی و کجاندیشی نسبت به مرکز که برای خود رقیب کار و حداکثری می‌بینند می‌دانم. کانونی که مسئولان آن در اجرای قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت حاضر نبودند و کلا را متناسب جمعیت در سطح کشور افزایش بدهند در صورتی که در آن قانون کانون‌ها ملزم بودند هر سال با آزمون که برگزار می‌کنند به تعداد کافی وکیل جذب کنند. همان‌گونه که می‌دانید تا سال ۱۳۷۹ کل وکلای کشور حدود ۴۲۰۰ نفر بوده در صورتی که در آن زمان برابر آمار رایبه شده پرونده‌های جرایمی کشور حدود ۱۲ میلیون بوده است. به‌ناچار دستگاه قضایی و مسئولان کشور (دولت) به خاطر انحصاری عمل کردن و عدم توجه مسئولان کانون برای جذب وکیل برای شکست این انحصار چاره را برای اجرای عدالت و دسترسی مردم به خدمات قضایی در راستای وظایف خود در اجرای سوم توسعه ماده ۱۸۷ را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داد. این مهم دلیل وجود متقاضیان حقوق که خیلی از آنها از سطح تحصیلات عالی برخوردار بودند که به‌مدتله پس از تصویب آن قوه قضاییه در اجرای آن ماده اقدام به جذب وکیل نمود که در حال حاضر پس از گذشت ۱۷ سال بیش از ۲۵ هزار وکیل راهی جامعه شده‌اند و در آرای این حرکت انقلابی قوه قضاییه، کانون در عمل غیر قابل پیش‌بینی و فاقدگرایانه نو به نام اسکودا نمود؛ یعنی اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری ایران. آقایان مدعی هستند ادامه فعالیت مرکز و برگزاری امتحان جهت جذب وکیل خلاف قانون است یا به اعتباری مدعی هستند چون در برنامه چهارم و پنجم دیگر ذکر می‌شود که ماده ۱۸۷ نیامده، لذا مرکز بودن و ادامه فعالیت آن خلاف است. یا به نوعی اظهار دارند که قانون گذشته فسخ شد، هر آنچه نمی‌بودن اینان دلیل و برهان و ضعف حجت و استدلال و نگرانی از ایجاد قدرت مرکز با بودن وکلای جوان و اساتید و قضات محترم بازنشسته عاملی بر برگزاری سکوت در مقابل این اظهارات آقایان باشد اما چون ادعای آقایان در مقام اثبات ادعا قداره گونه ادله کافی است و ادعای آنها مقرون به قرائن معقوله نمی‌باشد. ضمن تذکیر از آن جایی که موضوع دعای استیاضی است یا شاکلی در رایاه دادخواست است. مع الاسف نتایج حاصله از تقریرات ضد و نقیض آنها با اعلام مادی واقع وقت ندارد، به نظر نباید به آن توجه کرد، چون قبلاً منازعات و خصومات اداری فراهم شده و محاجه حقوقی نبوده اما به دلیل اهمیت طرح و ضرورت وضع موجود کشور در شرایط امروز که نیازمند آرامش و رفتار متعادل و علاقه‌مردان سیاسی می‌باشند، و گر نه ایشان بهتر می‌دانند که اطلاعات برای افشاکری زیاد است و ما رعایت حالشان را می‌کنیم. هر آنچه جواب بعضی‌ها را با خاموشی و سکوت داد تا جامعه خود قضاوت کند. امیدوارم آقایانی را که نسبت به فرزندانی خود بی‌احترامی کردند، در سکوت متکلم و متعال و بخته مشاهده نماییم و آنها را به بی‌طرفی، اعتدال و اخلاق دعوت می‌کنیم.

### ضرورت کاهش مجازات‌های خشن

خشونت بین جوانان برشمرد. همچنین می‌توان به نبودن بسترهای مناسب سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت جوانان اشاره کرد. به‌عنوان نمونه پیش از انقلاب اسلامی که شهر تهران یکسوم مساحت و جمعیت کنونی را داشت و تعداد جوانان و نوجوانان بسیار کمتر بود، تعداد سینماها، مراکز تفریحی و پیست‌های موتورسواری و اتومبیلرانی بیشتر از امروز بود، ولی با صد افسوس امروزه شاهد آن هستیم که با افزایش چند برابری محدود شده شهر تهران و جمعیت آن نه تنها مراکز تفریحی و ورزشی و سرگرمی به تناسب شهر و جمعیت افزوده نشده، بلکه مراکز قبلی نیز با تعطیل شده یا برای همگان قابل استفاده نیست. هفته گذشته شاهد مسابقه بین دو تیم بزرگ ایران یعنی استقلال و پرسپولیس بودیم، هر بار که بین این دو تیم مسابقه برگزار می‌شود، نیروی انتظامی و سایر مقامات امنیتی ناگزیر هستند در وضع فوق‌العاده قرار گیرند و با وجود تلاش‌های گسترده این عزیزان هر بار شاهد درگیری، زد و خورد و مجروح شدن تعداد زیادی از طرفداران دو تیم در ورزشگاه آزادی و از بین بردن بسیاری از تأسیسات و امکانات ورزشگاه هستیم که هزینه سرسام‌آوری برای دولت به همراه خواهد داشت. بنابراین باید قانون گذاران در راستای سیاست‌های پیش‌بینی‌شده که در پیش گرفته بودند که همانا کاهش مواد قانون کیفری و پیگیری دلایل ارتکاب جرم بوده است، در تصویب قوانین دیگر نیز این سیاست را که مورد پذیرش همه کشورهای جهان است، دنبال کنند.

بیمار شدن افراد بسیار کمتر از هزینه‌های درمانی، دارو و بیمارستان است. به‌عنوان نمونه در دهه گذشته آمار خشونت و رفتارهای خشن در بین اکثریت مردم به‌ویژه قشر جوان و نوجوان افزایش قابل توجهی یافته است که این خشونت بین جوانان در برخی موارد منجر به زد و خورد و ضرب و جرح آنها و بعضاً کشته‌شدن یکی از دو نفر می‌شود که با کشته‌شدن یکی از دو طرف دعوا در بیشتر موارد با حکم اعدام و قصاص قاتل نیز در پنده رویه خواهد شد. به عبارت ساده‌تر خشونتی که به‌عنوان یک بیماری گسترده در کشور شیوع پیدا کرده موجب ارتکاب جرایمی دیگر شده است. یکی از نتایج بیماری خشونت بین مردم به‌ویژه قشر جوان بکارگیری آنان از سلاح‌های سرد نظیر چاقو، قهقه، ساطور و غیره است که در بیشتر این موارد استفاده از این ابزار آلات منجر به ضرب و جرح و قتل افراد می‌شود. قانون گذاران به جای تشدید مجازات بکارگیری این گونه سلاح‌ها و تغییر قوانین سابق باید علل و عوامل تشویق کننده جوان به استفاده از این سلاح‌ها را مشخص کنند و شدت مجازات نمی‌تواند کمکی در کاهش این گونه جرایم داشته باشد، زیرا برخاستن جوانان به زندان آنها را به یادگیری جرایم دیگر و آسیب‌های ناشی از زندان سوق می‌دهد و هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری این افراد در زندان را به‌وجه عمومی کشور تحمیل می‌کند. بیکاری و عدم داشتن شغل مناسب و حرفه و پیشه در آمدزا برای جوانان که موجب سرگردانی و پلانتکلیفی مالی جوان و عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی آنها نظیر از دواج، سفر و سایر تفریحات سالم می‌شود را می‌توان از علل و عوامل افزایش

### بیمان حاج‌محمودعطار، حقوقدان



یکی از سیاست‌های تقنینی جنایی که در بیشتر کشورهای جهان اعمال می‌شود، کاستن و کم کردن جرم و دانستن رفتارهای ناپه‌نجان اجتماعی است. به عبارت دیگر دهه اخیر سیاست‌گذاران کیفری در بیشتر کشورهای جهان به دنبال این هستند از آمار مواد قانونی که کارهای خلاف را جرم می‌دانند و مستوجب مجازات بکاهند و به جای مجازات کردن افراد به روش‌های دیگر که هزینه کمتری در مقایسه با مجازات کردن برای دولت و بهرگان دارد، بهر بازند. خوشبختانه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این سیاست پیشرفته مورد نظر قانون گذاران قرار گرفته است و در بسیاری از موارد به جای مجازات زندان، مجازات‌های جایگزین حد پیش‌بینی شده است و قاضی می‌تواند به جای زندانی کردن مجرم، مجازات‌های دیگری که هم اثر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب دوباره جرم دارد، هم آثار مخرب زندانی شدن را ندارد و هم هزینه کمتری برای دولت در مقایسه با زندان مجرم داشته، در نظر گیرد. این سیاست در قانون جدید پیش‌بینی شده است. قانون گذاران باید علاوه بر کم کردن قوانین کیفری و مجازات‌های خشن به علل و عوامل ارتکاب جرم توسط شهروندان بهر بازند و به جای مقداری قانون مطالعه می‌شد و تحقیق و بررسی و پرس‌وجو از هل فن می‌کردند بیننده دیوان محترم عدالت اداری برابرمه ۱۲ و تبصره ذیل آن رسیدگی به تصمیمات رئیس محترم قوه قضاییه را داد یا خبر، سپس اقدام به تنظیم دادخواست می‌دانند. شاکلی باند وقت رسیدگی به تصمیمات رئیس محترم قوه قضاییه در صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت که مرجع عالی مرتبه است، خارج می‌باشد، به‌طور اولی یک شعبه از دیوان‌عم از بدوی و مساعدون صالح به رسیدگی نیست. ایراد دیگر به درخواست دستور موقت اداری برابرمه ۱۲ و تبصره ذیل آن رسیدگی به خسارت به ذینفع طول رسیدگی است، حال در این دادخواست همچنان که به عرض رسید، ذینفع در صورت دادخواست تقدیمی چه کسی است و چنانچه دستور موقت صادر شود، دیگر چه دلیلی بر رسیدگی ماهیتی موضوع خواسته است، چون اثری دیگر باقی نمی‌ماند تا دادگاه به آن رسیدگی کند. معذالک با عنایت به مطالبع موضوعه در فوق، ادامه فعالیت مرکز و کلای جهت برگزاری آزمون و جذب وکیل قانونی است و دادخواست تقدیمی هم فاقد ادله مثبتیه بوده و قابل بهره‌امدی.

### پایانی برای حمل سلاح سرد

تدابیر، تدابیری است منطقی و عملی. اما این که حمل سلاح سرد را مطلق جرم‌انگاری کنیم، از یک سو به علت روشن نبودن تعریف این سلاح باب مناقشات بسیار را باز می‌کند و از دیگر سو باعث کسادی حرفه‌های می‌شود که به نوعی با تولید آلات برنده ارتباط دارند. در عین حال مسلم این است که تشورو و چاقو کشتن صرف نظر از وجود یا عدم قانون ابزار کار خود، تهیه خواهند کرد. از مجازات بیمی ندارند، اما این ممنوعیت کسانی را که مثلاً در زمین‌های کشاورزی مشمول به کار هستند و از چاقوهای بزرگ نظیر آنچه در مهریز یزد یا کرمان یا نجان ساخته می‌شود، برای ارتکاب اسلحه‌ها می‌کنند، به صرف حمل چاقو در معرض اتهام قرار خواهد داد. بنابراین به نظر می‌رسد تدبیری که در گذشته‌های دور پیش‌بینی شده بود برای رسیدن به هدف متناسب‌تر باشد.

یافت می‌شود و هر کسی که بخواهد می‌تواند آنها را خریداری کند. سال‌های سیال طول می‌کشد تا لایحه حمل سلاح‌های سرد در مجلس به تصویب برسد. از سال ۸۶ که نیروی انتظامی لایحه منع حمل سلاح سرد را تقدیم مجلس کرد تا سال ۹۵ که این لایحه در مجلس شورای اسلامی بررسی شد، حدود ۹ سال طول کشید. حالا سرانجام دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی افزوده شد. در نتیجه بررسی‌ها و مطالبات در آن زمان این شده بود که اولاً قدرتمندی یا چاقو و اسلحه سرد ولو این که منجر به جرح نمی‌شود، مجازات شدید داشت و ثانیاً هر گاه در ارتکاب جرایم گوناگون به‌ویژه ایراد جرح از سلاح سرد به مفهوم هر آلت برنده یا نوک تیز استفاده می‌شد، صدور قرار بازداشت برای منتهم الزامی بود و این بازداشت تا محاکمه و شروع اجرای حکم ادامه می‌داد. این لایحه در مجلس تصویب شد و هر کس که بخواهد می‌تواند آنها را خریداری کند. سال‌های سیال طول می‌کشد تا لایحه حمل سلاح‌های سرد در مجلس به تصویب برسد. از سال ۸۶ که نیروی انتظامی لایحه منع حمل سلاح سرد را تقدیم مجلس کرد تا سال ۹۵ که این لایحه در مجلس شورای اسلامی بررسی شد، حدود ۹ سال طول کشید. حالا سرانجام دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی افزوده شد. در نتیجه بررسی‌ها و مطالبات در آن زمان این شده بود که اولاً قدرتمندی یا چاقو و اسلحه سرد ولو این که منجر به جرح نمی‌شود، مجازات شدید داشت و ثانیاً هر گاه در ارتکاب جرایم گوناگون به‌ویژه ایراد جرح از سلاح سرد به مفهوم هر آلت برنده یا نوک تیز استفاده می‌شد، صدور قرار بازداشت برای منتهم الزامی بود و این بازداشت تا محاکمه و شروع اجرای حکم ادامه می‌داد. این لایحه در مجلس تصویب شد و هر کس که بخواهد می‌تواند آنها را خریداری کند.

### بهمن کشاورز، حقوقدان و رئیس اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری ایران



بحث سلاح سرد و استفاده از آن در جرایم مختلف است که مطرح است و حتی در نظام پیشین قضایی ما هم این مسأله مطرح بود. به آمارها که نگاه می‌کنیم، سالانه تعداد مجازات‌های مختلف کشور وجود دارد. زیادی درگیری خیابانی در شهرهای مختلف دیده‌اند شخص یا افراد حاضر در بسیاری از این درگیری‌ها باعث آسیب‌دیدن شخص یا افراد حاضر در درگیری‌ها می‌شود و برخی موارد نیز منجر به قتل فردی می‌شود. در این درگیری‌های خیابانی از سلاح‌های سردی مانند چاقو، قهقه و... استفاده می‌شود. سلاح‌هایی که به راحتی در همه جای کشور